

نگاهی به الگوهای رفتاری و اخلاقی

حضرت فاطمه علیها السلام^۱

ستاره موسوی^۲

چکیده

تربیت فرزند صالح، از مهمترین مسایل حیات بشر است. والدین و به ویژه مادران، باید با راه و رسم تربیت دینی فرزندان آشنا شوند تا نقش خود را در پرورش فرزند، به بهترین شکل انجام داده و شایسته ترین خدمت را به خانواده و جامعه اسلامی کنند. در نوشتار حاضر به بررسی سیره ی حضرت فاطمه علیها السلام که در دامان پاک ترین و بزرگ ترین مربی بشریت رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافته، پرداخته شده است و نمودهای اخلاقی و رفتاری آن بانو مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی پژوهش، بررسی الگوهای رفتاری و اخلاقی فاطمه علیها السلام در سبک زندگی اسلامی، مانند ایمان، اخلاص، زهد، ایثار، عدالت، عفاف، صداقت و ادب و ارائه راهکارهای تربیتی به منظور تحقق هرچه بیشتر آموزه های ایشان است. تحقیق حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و استناد به بیانات گران بهای قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام انجام شده و برای کاربری این الگوها در عصر حاضر، راهکارهای تربیتی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: فاطمه علیها السلام، الگوی رفتاری، الگوی اخلاقی، تربیت دینی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۰

۲. دانش آموخته دکتری علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و آموزگار ابتدایی setarehmousavi@gmail.com

مقدمه

فاطمه علیها السلام الگوی همه‌ی زنان و مردان است. فاطمه علیها السلام وجودش از عبادت و نماز بود؛ هنگامی که در محراب عبادت می‌ایستاد، هفتاد هزار فرشته مقرب بر او درود و سلام می‌فرستادند. بیشتر مردم براین باورند که وجه احترام و شکوه حضرت زهرا علیها السلام به این دلیل است که او دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ در حالی که از مقام معنوی و عظمت روح این بانوی سترگ اسلام و مقام ولایت کبرای ایشان غافلند. حضرت فاطمه علیها السلام از نور آفریده شد، با نور زندگی کرد و با نورش جهان را تا ابد روشن کرد. زندگی حضرت زهرا علیها السلام با وجود کوتاهی عمر شریف‌شان که حتی به دو دهه هم نرسید، آینه تمام‌نمای یک زندگی کامل و جامع دینی است (پیشوایی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). مطالعه در روش زندگی ایشان، هر انسان حقیقت‌جویی را به حقیقت زندگی رهنمون می‌کند. فاطمه زهرا علیها السلام یکی از حجت‌های خداوند و الگو و رهبر است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تنها زن معصوم در امت اسلامی است که نقش رهبری داشته و به منزله حجت و اسوه برای مردم معرفی شده و اطاعتش نیز واجب است؛ بنابراین ابعاد فکری و زندگی ایشان باید از ابعاد مختلف شناخته شود (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

گرایش به الگو، نیاز بشری است که در جهت کمال‌گرایی و تکامل‌طلبی به طور فطری در درون انسان‌ها نهاده شده است و علم امروز آن را «همانندسازی» می‌نامند. از این رو نیاز به سرمشق‌گیری از سیره معصومین علیهم السلام، در آموزه‌های دینی به طور آشکار مورد توجه قرار گرفته است و قرآن کریم به صراحت، به معرفی سیره‌ها و اسوه‌های «مثبت» و «منفی» می‌پردازد و اسوه‌های مثبت ثابتی را مطرح می‌کند که در تمام اعصار و برای همه نسل‌ها قابل اتکا و پیروی در عمل هستند. اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به عنوان نمونه و الگوی عملی معرفی کرده است. رمز ماندگاری الگوها «زنده بودن تفکر و اندیشه الگوهای مطرح شده»، «همسویی سیره و سخن آنان با فطرت انسان‌ها»، «یکسان بینی جهان بینی و آرمان‌ها» و «شناخت پیروان آنان» است. هر قدر این شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد، بهتر می‌توان محتوای پیام، گفتار و رفتار آنان را به دست آورد و از آن‌ها در جهت رسیدن به سعادت، تکامل و تحقق ارزش‌های فطری و الهی بهره برد. شناخت و معرفت نسبت به الگوهای شایسته، مانع هدر رفتن یگانه سرمایه آن‌ها (عمر) می‌شود. تأثیر الگو و نقش‌پذیری انسان، امری طبیعی است که از غریزه تقلید سرچشمه

می‌گیرد (امینی، ۱۳۷۲، ص ۹۸). البته برخلاف نظر آگزیستانسیالیست‌ها، الگوسازی که براساس تدابیر صحیح طراحی شود، مغایر با آزادی شخصی نیست؛ چنان‌که اسلام با تأکید بر حفظ حریت آدمی و رعایت آزادی‌های شایسته بشر و با توجه به روحیه تأثیرپذیری انسان، اصل پیروی جاهل از عالم و الگوپذیری از نمونه‌های راستین را مورد تأکید قرار داده است (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۴۴)؛ براین اساس، قرآن کریم، از حضرت آسیه علیها السلام، مریم علیها السلام، ابراهیم علیهم السلام و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان الگوهای شایسته نام برده است. حضرت فاطمه علیها السلام نیز به عنوان سرور همه زنان تاریخ، حتی بر حضرت مریم علیها السلام برتری دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ۱، ۲۳۹). امامان معصوم علیهم السلام که خود الگوی همگان در تمام ابعاد وجودی‌اند، فاطمه زهرا علیها السلام را اسوه شایسته خویش معرفی می‌کنند. حضرت فاطمه علیها السلام نه تنها الگوی یک زن مسلمان و نمونه مکتب اسلام برای زنان است، بلکه اسوه تمام جهانیان در ابعاد مختلف زندگی است.

سیره معصومین علیهم السلام در نظام فکری و فقهی شیعه از همان جایگاهی برخوردار است که قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جایگاه قرار دارند، از این روش‌ناخت سیره معصومین علیهم السلام در قلمرو فقه، سیاست و اخلاق کاربرد وسیع دارد و هیچ عالم دینی و فقیه شیعی نمی‌تواند از دانستن آن بی‌نیاز باشد. دانستن سیره معصومین علیهم السلام هرچند به اجمال برای هر مبلغ و دانای دین از جهات ذیل لازم و ضروری است:

الف: آشنایی با مبانی دینی؛

ب: آشناساختن دیگران با معارف دینی؛

ج: استنباط دیدگاه‌های دینی در موضوعات مختلف از سیره معصومین علیهم السلام؛

د: استدلال به سیره برای اثبات نظریات دینی (حسینی زاده، ۱۳۶۸، ۴۲).

در میان اهل بیت علیهم السلام، حضرت زهرا علیها السلام دارای جایگاه ویژه‌ای است. حضرت زهرا علیها السلام فرزند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، همسر امام اول شیعیان و مادر یازده امام است. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام اسوه و نمونه خوبی برای عبرت‌آموزی و الگوپرداشتن است. ایشان زندگی ساده و بی‌آلایش و در عین حال بابرکت داشتند. از این جهت که در طول عمر کوتاه خود دنیایی از درس‌ها را برای بشریت در طول تاریخ باقی گذاشتند؛ درس‌هایی سرشار از معنویت که روشنگر راه انسان‌هاست. الگوگرفتن از ایشان می‌تواند در زندگی انسان‌های آزاداندیشی که می‌خواهند

سیر و سلوک سعادت الهی را بیمایند و تقوا را پیشه زندگی کنند تا به فلاح و رستگاری برسند، راه‌گشای بسیار خوبی باشد. آشنایی با سیره زندگی حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند باعث پیشرفت جامعه اسلامی و مانع از انحطاط و سقوط جامعه شود. در زندگانی شخصی ایشان نیز کیفیت زندگی، معاشرت با همسر و فرزندان و ساماندهی و مدیریت امور خانه، شاخص‌ترین الگو برای خانواده‌هاست. ایشان آیین همسراری و خانه‌داری را به خوبی رعایت کرده و در زندگی، شریک و همراه همیشگی امام علی علیه السلام بود.

مسلمانان باید در اشاعه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و ائمه‌شناسی بکوشند تا به وحدت اسلامی برسند و مانع از انحطاط جامعه اسلامی و مداخله سودجویان شوند؛ در پرتو این وحدت به گسترش دین اسلام در جهان پرداخته، بر پهنه جهان اسلام بیفزایند و زمینه ساز ظهور حضرت حجت (عج) شوند. کسانی که در زندگی، سیره معصومین را لحاظ نمی‌کنند، همواره هستی خود را در قالبی مبهم و تاریک خواهند یافت، زیرا پالایشگاه درونی آن‌ها از تصفیه‌ی واقعیاتی که از طرف هستی به درونشان وارد می‌شود، ناتوان است و در نتیجه، هم به خود و هم به جامعه اسلامی آسیب وارد می‌کند. آنان همه‌ی واقعیات هستی را عبث و بی‌اساس می‌بینند؛ زیرا درونشان را هوا و هوس پرکرده است و از سیره معصومین علیهم السلام دور شده‌اند؛ به همین جهت است که هرگز دنیا را جدی نمی‌گیرند (جلالی، ۱۳۸۰، ص ۴۷). بی‌شک اهمیت تأثیر سیره معصومین علیهم السلام در سلامت معنوی فرد و جامعه، لزوم پرداختن به این امر مهم در همه‌ی دوره‌های زندگی انسان را نمایان می‌کند؛ زیرا تجربه نشان داده است که انسان، خواه متدین و خواه غیرمتدین، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسامدرن، بی‌نیاز از اسوه و الگوی فرهنگی و مقدس نبوده و نیست؛ بنابراین تبعیت از سیره معصومین علیهم السلام نقشی بسیار مهم در سلامت روح انسان و سعادت و خوشبختی فرد و جامعه دارد و از این جهت نیازمند توجه بیشتر است (وطنی، ۱۳۹۲، ص ۶۲). به ویژه که ایرانیان نیز از دیرباز، به عنوان ملتی مسلمان و مؤمن مشهور بوده‌اند و دیدگاه‌های معصومین علیهم السلام در زمینه‌های مختلف مورد توجه مریبان و اولیا بوده است. وجود انسان به گونه‌ای ضعیف و ناقص آفریده شده است؛ به گونه‌ای که باید خود، ابعاد هستی خود را شکل دهد و به کمک قدرت اندیشه و اراده خویش استعداد‌های مختلفش را شکوفا سازد و به کمال لایق خود برسد. این توانمندی‌ها و ذاتیات پاک انسان رشد نمی‌یابد،

مگر این که با مشورت و راهنمایی دانشمندان جهان اسلام، با آرا و سیره معصومین علیهم السلام، چون حضرت فاطمه علیها السلام آشنا شده و در رویه زندگی خود جاری سازند. بخشی از استعدادها و ابعاد وجود انسان، خلقیاتی هستند که کسب می‌کند. اخلاق، استعدادی است که در وجود انسان نهفته است و برای آن که انسان به کمال لایق خود برسد، باید این جنبه از وجودش را نیز شکوفا سازد و این نوع کمال به واسطه سیستم اخلاقی میسور است (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۳۰۶). دین انسان ساز اسلام که برنامه اش رساندن انسان‌ها به اوج قله انسانیت و کمال و قرب پروردگار است، به الگوگیری از معصومین علیهم السلام عنایتی ویژه دارد و بخش عظیمی از روایات و سخنان گهربار معصومین علیهم السلام، به ارائه رویه های عمل محور در جنبه های مختلف سیاسی، اجتماعی و عبادی اختصاص یافته است (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۱). پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی الگوهای رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام با استناد به آیات و روایات پرداخته است تا بتواند قدمی کوچک در راه شناخت و الگوبرداری از سیره ی آن بانوی بزرگوار بردارد.

۱. روش الگوسازی در سیره معصومین علیهم السلام

از روش الگوسازی در روان شناسی اجتماعی، همانندسازی یاد می‌شود که در آن، نمونه ای از رفتار و کردار مطلوب، به صورت عملی در معرض دید شخص قرار می‌گیرد تا او به پیروی پردازد و حالت نیکویی مطابق با عمل نمونه را در خودش پدید آورد. شخص می‌کوشد تا خود را به فردی که به نظرش شخصیت قابل قبولی دارد، همانند کند و نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و هیجان‌های او را سرمشق خود قرار دهد. این رویه به خاطر کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه نیست، بلکه برای این است که آن فرد را پسندیده و نفوذ او را پذیرفته است (شکرگن، ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۲).

روش اسوه سازی در قرآن به عنوان یک روش بنیادین در تربیت است. از منظر قرآن یکی از ویژگی‌های مهم این روش، این است که فرد باید در برخورد با اسوه، بابسیرت و انتخابگری به مواجهه پردازد. قرآن کسانی را که در پیروی از دیگران با کوردلی به هرآنچه بیابند، اقتدا می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنان را به بصیرت فرا می‌خواند (زخرف: ۲۳-۲۴)؛ بنابراین اسوه‌گزینی هرچند متضمن پیروی از غیر است، اما هرگز نباید تقلید صرف و همراه بی خبری

باشد، بلکه تقلید هدفمند و آگاهانه است و بصیرت پیش فرض، اساسی این روش است. اهمیت الگوهای برتر در پیشرفت جامعه، از چند جهت است:

۱. الگوها میزان و ترازوی سنجش رفتار انسان‌ها هستند؛ افزون بر این که بدون به کار بردن الگوها، انسان دچار سردرگمی و احياناً خودبینی خواهد شد.
۲. هدایت و راهیابی به رشد و تکامل برای انسان از طریق الگوهایی است که به قلّه تربیت و اوج کمال رسیده‌اند و نقش قطب نما را دارند تا آدمی، راه را به بیراهه نرود. نمونه بارز این الگوهای هدایتگر، پیامبران و اولیای الهی‌اند.
۳. سنجش نارسایی‌ها و نواقص و میزان موفقیت خویش در کسب فضائل با مددگیری از الگو امکان پذیر است. وقتی فردی عکس العمل الگوی خویش را در برابر محرکی که برای خودش هم رخ داده می‌نگرد، تفاوت بین عکس العمل او و خودش را می‌یابد، به نارسایی رفتار خود پی برده و از آن پس سعی در اصلاح رفتار خویش و تطبیق آن با رفتار الگویی می‌کند.
۴. اسوه‌ها عامل تحریک انسان‌ها، یأس زدایی و خارج ساختن روح ناامیدی از جامعه‌اند.

۲. حضرت فاطمه علیها السلام کلمه بی پایان خداوند و الگوی کامل بشریت

خداوند متعال در قرآن کریم، با تعابیر مختلفی از انبیای بزرگ و اولیای خود یاد کرده است؛ یکی از این تعابیر «کلمه و کلمات» است. قرآن کریم حضرت عیسی علیه السلام را کلمه نامیده و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُوْلُ اللهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ» (نساء: ۱۷۱)؛ مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که او را به مریم القا کرد و در جایی دیگر از قول ملائکه فرموده: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (آل عمران: ۴۵)؛ ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است. قرآن کریم در آیات متعددی، اهل بیت علیهم السلام را نیز «کلمات» نامیده است؛ برای مثال در آیه ۳۷ سوره بقره ماجرای توبه حضرت آدم علیه السلام بیان شده است که آن حضرت با توسل به کلمات خداوند توبه کرد و توبه او پذیرفته شد. «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷)؛ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت و خداوند توبه او را

پذیرفت؛ چراکه خداوند توبه پذیر و مهربان است. در روایات این کلمات به حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام تفسیر شده است که حضرت آدم علیه السلام با توسل به این بزرگواران توبه کرد و خداوند توبه اش را پذیرفت (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۰۴؛ عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲۶، ص ۳۲۶). آیه ۱۰۹ از سوره ی کهف نیز کلمات خدا را بی پایان دانسته و می فرماید: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَداً» (کهف: ۱۰۹)؛ بگو اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می گیرد، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد، هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم. در آیه ۲۷ سوره لقمان نیز مشابه آن را فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ أَمْجُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ» (لقمان: ۲۷)؛ و اگر همه درختان روی زمین قلم شود و دریا برای آن مرکب شود و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می شود، ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد. ائمه علیهم السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده اند که ماییم کلماتی که فضایل آن درک نمی شود و به شماره در نمی آید. (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۴؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۹۳؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۱).

الگوی معنویت و کمال، باید خود بی نقص و عیب باشد و کمالاتش محدود نباشد، چراکه اگر مردم بتوانند به الگوی خود برسند، دیگر او الگو نخواهد بود. همچنین الگو باید در حدی باشد که همه علما، فضلا، بزرگان و تمام مدعیان در برابر او تواضع کنند. بدین روی پیامبران از جمیع امت خود افضل بوده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هیچ پیامبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن که عقل او را کامل کرد و عقل او از جمیع امتش برتر شد و آنچه نبی در نفس و ضمیر خود دارد، از اجتهاد و تلاش همه مجتهدان برتر است». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۹۱)

بشر هم از ابتدا به الگوی قدسی گرایش نشان داده و این طور نبوده است که اگر الگویی خیلی عظمت داشت از آن گریزان باشد؛ از این رو در همه ادیان مذاهب چنین الگوهایی مطرح است. به عنوان مثال، با این که حضرت عیسی علیه السلام در همان دوران نوزادی اش، به محض این که زبان به سخن می گشاید، خود را بنده خدا معرفی می کند (مریم: ۳۰)، ولی میلیاردها انسان که خود را پیروان او می دانند، به آن همه فضایل اکتفا نکرده و او را خدا خواندند. خلاصه آن که

در اعتقاد ما مسلمانان، پیامبران و ائمه علیهم السلام خلفای به حق خدا در زمین اند و در عین آن که موجوداتی ملکوتی و فوق معرفت بشر غیر معصوم اند، اما از دیدگاه قرآن مشاکلت ظاهری و مؤانست با مردم از ویژگی های آنان است (ابراهیم: ۱۱).

نتیجه آن که حضرت فاطمه علیها السلام یکی از کلمات بی پایان خداوند است که زبان از شمارش فضایل او و قلم از نوشتن آن عاجز است، اما بر ماست که قدر آنچه از مهر بی مثالش به دل های ما محبان تراوش می کند، بدانیم و بر محبت او استوار مانیم و در زندگی مادی و معنوی خود، سیره و سخن ایشان را شاهراه سعادت و نجات قرار دهیم و با پیروی از آن بانوی بزرگ، خود را از اسارت شعارهای دلفریب فمینیسم، لیبرالیسم و ایسم های دیگر آزاد سازیم.

۳. عصمت و طهارت فاطمه علیها السلام

در اعتقاد شیعیان، هیچ گونه تردیدی در عصمت و پاکی اهل بیت علیهم السلام از هرگونه گناه و پلیدی وجود ندارد. چنین عقیده ای محصول براهین عقلی و نقلی بسیار است که هرگونه شکی را در این زمینه از بین می برد. روایات معتبر در این زمینه نیز از نظر لفظی و معنوی بیش از حد تواتر است. در قرآن کریم نیز آیات متعددی بر این معنا صراحت یا اشارت دارند؛ برای مثال آیاتی که بر وجوب اطاعت بی چون و چرا از اهل بیت علیهم السلام دلالت دارند، لزوم عصمت آن ها را نیز می رسانند، اما یکی از صریح ترین آن ها، آیه ۳۳ از سوره ی احزاب است که به آیه تطهیر شهرت یافته است: «**إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**» (احزاب: ۳۳)؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. شیعیان اتفاق نظر دارند که مراد از «اهل بیت» در آیه شریفه، خمسه طیبه یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند و به تبع آن ها بقیه ی ائمه علیهم السلام که از سلاله پاک این پنج تن هستند را نیز شامل می شود. روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه بر خمسه طیبه وارد شده است، بسیار زیاد است. در تعدادی از این روایات متواتر آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را زیر کسا (عبا) قرار داد و این آیه در حق آنان نازل شد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۸۶) در روایات زیادی از اهل سنت نیز همین مضمون بیان شده است. حسکانی در «شواهد التنزیل» بیش از ۱۳ حدیث در این

زمینه نقل کرده است. صحیح مسلم، صحیح ترمذی، مسند حنبل، تفسیر طبری، درالمنثور سیوطی و... نیز احادیثی در این زمینه نقل کرده اند. در «احقاق الحق» بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت گردآوری شده و منابع شیعه در این زمینه بسیار است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲۴). از نگاه قرآن کریم، حضرت فاطمه علیها السلام کرامت های منحصر به فرد دیگری نیز دارد؛ از جمله شب قدر بودن فاطمه علیها السلام که در تفسیر فرات کوفی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فهم آن بر همگان میسر نیست و بحث از آن نیز مجال دیگری می طلبد (کوفی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۸۱؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۴۳، ص ۶۵).

۴. آموزه های رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

آموزه های رفتاری و اخلاقی حضرت زهرا علیها السلام در طول زندگی کوتاهی که داشتند، برترین درس های رسیدن به سعادت دنیوی و خروی را به انسان می آموزد. درس هایی در زمینه ی ایمان و اخلاص، ساده زیستی و زهد، ایثار، عدالت، حجاب و عفاف، صداقت، ادب، ولایت مداری و ایفای نقش دختر و همسری نمونه که انسان را در همه ی ابعاد زندگی از رهنمون هایش سیراب می کند. اینک به جلوه هایی از آموزه های رفتاری و اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می شود.

۴-۱. ایمان و اخلاص

حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان برترین زنان جهان «سیده النساء العالمین» از خلقت آدم تا پایان جهان است که بیان گر درجه ی ایمان ایشان است و در قرآن کریم نیز به مقام عصمت ایشان اشاره شده است. آمدن روزانه پیامبر صلی الله علیه و آله در طلوع فجر به درب خانه ایشان، سلام به اهل خانه با بیان لفظ «اهل البیت» و خواندن آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم» (احزاب: ۳۳) از ویژگی های حضرت فاطمه علیها السلام و خانواده ایشان است. اخلاص در اعمال که به نیت افراد برمی گردد نیز از موارد بسیار مهمی است که خداوند در سوره انسان، خود نسبت بدان اذعان داشته است. در مقابل از جمله مقاماتی که خداوند به ایشان بخشیده است شفاعت دوستان و پیروانشان در روز قیامت است. ضمن این که ایشان شیعیان خود را چنین توصیف می کند: «اگر به آن چه به شما امر می کنیم عمل کنی و از آن چه شما را بر حذر می داریم دوری کنی، از شیعیان

ما می‌باشی، والا هرگز» (مجلسی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

۲-۴. ساده‌زیستی و زهد

اکتفا به ضروریات زندگی و ساده‌زیستی، ویژگی برجسته فردی است که در مدینه به عنوان فرزند رهبر جامعه نبوی محسوب می‌شود. توجه خاص مسلمانان اعم از فقیر و متمکن به زندگی رهبر جامعه و اعضای خانواده وی، مسأله‌ای است که ضرورت این امر را دو چندان می‌ساخت. حضرت فاطمه علیها السلام چه در دوران تنگ دستی و چه در زمان گشایش مادی مسلمانان، اصل ساده‌زیستی را همواره با توجه به شرایط زمانه اجرا می‌کردند. تهیه ضروریات زندگی به عنوان جهیزیه که با فروش زره حضرت علی علیه السلام صورت گرفت، وسایل ساده زندگی و عدم استفاده از برخی امکانات همچون پرده‌ای که برای منزل تهیه شده بود که به توصیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن برهه زمانی جزو تزئینات به شمار می‌رفت، نمونه‌هایی از آن است. زاویه دیگر ساده‌زیستی حضرت فاطمه علیها السلام که حقیقت امر را بیشتر آشکار می‌سازد، عدم وابستگی به امور مادی در زندگی و همان زهد است که جلوه‌ای از آن در بخشیدن لباس نو خویش در شب عروسیشان، به یک نیازمند است (مجلسی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

۳-۴. ایثار

گذشت از حق خویش در جهت سود رساندن به دیگران و ایثار، از دیگر آموزه‌های اخلاقی در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام است که نمونه‌های عملی فراوان دارد. نمونه‌ی بارز آن ادای نذر سه روز، روزه نذری حضرت فاطمه علیها السلام برای سلامتی بیماری حسنین علیهما السلام است که ایشان و خانواده کریمش در هر سه روز، غذای خویش را به یتیم، اسیر و مسکین داده و خود با آب افطار کردند که نتیجه آن نزول سوره انسان (انسان: ۸) در تمجید از اقدام خالصانه این خانواده بود. این‌گونه ایثارها در امور معنوی نیز دیده می‌شود که نمونه معروف آن، فرمایش «اول همسایه، سپس خانه» حضرت فاطمه علیها السلام به امام حسن علیه السلام در استدلال بر این که چرا در دعا، دیگران را نسبت به اهل خانه ترجیح می‌دهد، است. (طبری، ۱۳۵۶، ق، ص ۵۳)

۴-۴. عدالت

حضرت فاطمه علیها السلام هر چند نزد خداوند در بالاترین درجه‌ی ایمان قرار داشته و فرزند بزرگترین شخصیت روزگار خویش بودند؛ اما به لحاظ مادی خود را همچون سایر مردم می‌دانستند. به عنوان نمونه زمانی که انجام امور خانه و فرزندداری بر ایشان طاقت فرسا شده بود و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تقاضای خدمتکار کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت تنگ دستی اغلب مسلمانان، تسبیحات اربعه را جهت تسهیل در امور به ایشان آموخت که بسیار برای ایشان کارگشا بود. در روزگار گشایش مادی مسلمانان نیز که فضا به عنوان خدمتکار نزد ایشان بود، با توافق یکدیگر به تقسیم کار پرداخته بودند. هر دو به صورت یک روز در میان به امور منزل می‌پرداختند و بدین ترتیب هیچ تفاوتی بین خود و خدمتکار خویش قایل نبودند. همچنین بنا به پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله، امور داخل منزل به عهده حضرت فاطمه علیها السلام و انجام امور خارج منزل به عهده حضرت علی علیه السلام گذارده شده بود (عاملی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷).

۴-۵. حجاب و عفاف و حضور اجتماعی-سیاسی

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به پوشش خویش و در معرض افراد نامحرم قرار نگرفتن، بسیار اهمیت می‌دادند و در واپسین روزهای حیات نیز از این که پس از وفات، حجم بدن ایشان را نامحرم ببینند، نگران بودند. در عین حال بدون هرگونه افراط و تفریط در مواقع ضروری در امور اجتماعی به تناسب جایگاه اجتماعی خویش به عنوان یک زن مشارکت داشتند. (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۴۵). در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله پس از غزواتی همچون غزوه‌ی مکه، یار و غم‌خوار پدر و همسر بوده، نقش امدادگر را در درمان جراحات آنان ایفا می‌کردند (همان). ارتباط صمیمانه با خویشاوندان و همدردی با آنان همچون درست کردن غذا به مدت سه روز برای خانواده حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از شهادت وی به توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله، تهیه نان برای پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام حفر خندق در نقش پشتیبانی جنگ، حضور هفتگی بر مزار شهدا از جمله حمزه در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از رحلت ایشان از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان است. نقش ایشان در ماجرای مباحله با مسیحیان نجران (آل عمران: ۶۱) به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام از مهمترین اقدامات سیاسی ایشان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در

حمایت از جریان امامت نیز از هیچ کوششی دریغ نکردند (انصاری و رجایی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۴-۶. صداقت

فضائل اخلاقی از امور ضروری اجتماع بشری است که اگر از زندگی بشر برداشته شود، بسیاری از افراد بشر در ارتکاب اعمال زشت و پایمال کردن قوانینی که رعایتش واجب است، شرم نمی‌کنند و در نتیجه جامعه بشری متلاشی می‌شود. از جمله این فضایل اخلاقی، صداقت و پرهیز از دروغگویی و نفاق است (دشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹). معنای اصلی «صدق»، مطابقت کلام با خارج است و وصف صادق بودن را وقتی بر انسانی حمل می‌کنند که گفته وی با خارج مطابقت کند و عمل او براساس اعتقادش باشد و آنچه را مراد جدی اش است، به جای آورد. به این ترتیب صدق صفتی است که همه اخلاق حسنه از جمله عفت، شجاعت، حکمت، عدالت و ... را در برمی‌گیرد. پس اگر مراد از صداقت، تطابق گفتار و کردار آدمی با باطنش باشد، تمامی فضایل دیگر را نیز شامل می‌شود که صدق در گفتار، یکی از مصادیق آن است (فیاض، ۱۳۹۲، ص ۳۹-۱۳).

کلمه «صدیق» صیغه مبالغه از صدق است و صدیق به کسی گویند که در صدق مبالغه کند یعنی آنچه را که می‌گوید، انجام دهد و میان گفتار و کردارش تناقضی وجود نداشته باشد. یکی از القاب حضرت فاطمه علیها السلام، صدیقه است که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله این لقب را به او عنایت کرد. مراد از آن در وهله اول راستگویی در همه اقوال است. عایشه در وصف دخت‌گرمی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌گوید که من کسی را به جز رسول الله صلی الله علیه و آله راستگوتر از فاطمه علیها السلام ندیدم (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۴۷۵۶). در مرحله بعدی مراد از صدق همان عصمت و همگامی قول و عمل است؛ چراکه او هرآنچه را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌شد، تصدیق و عمل می‌کرد (سلمانی، ۱۳۹۲).

۴-۷. ادب

مراد از ادب، ظرافت عمل و هیأت زیبایی است که سزاوار است عمل بر طبق آن انجام شود. مشخص است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اولاً مشروع بوده و منع

تحریمی نداشته باشد؛ پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح، ادب معنا ندارد. ثانیاً عمل اختیاری باشد؛ یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیأت و شکل در آورد، ولی شخص به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود؛ نظیر ادبی که اسلام در غذا خوردن سفارش کرده است و آن عبارت است از گفتن «بسم الله» در اول غذا و «الحمد لله» در آخر آن و احتراز از خوردن در حال پری شکم و امثال این موارد از که از آداب غذا خوردن است. بدیهی است که اقوام مختلف آداب مختلفی دارند؛ مانند تحیت در موقع برخورد و ملاقات با یکدیگر که در اسلام این تحیت سلام است که از طرف خدای متعال، مبارک و طیب قرار داده شده و در نزد اقوامی دیگر برداشتن کلاه و یا بلند کردن دست و کارهای دیگر است. مطلوب نهایی دین، توحید، عبودیت و بندگی است، پس ادب الهی که خدای سبحان، انبیا و فرستادگانش را به آن مؤدب کرده، هیأت زیبای اعمال دینی است که از غرض و غایت دین حکایت می‌کند. در عصر رسالت، برخی از مسلمانان با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله همانند دوستان خویش برخورد کرده، گاه صدای خویش را از صدای دلنواز او بلندتر می‌کردند یا او را به نام صدا می‌زدند و به این ترتیب ادب شایسته را به جای نمی‌آوردند. از این رو آیات الهی نازل شد و هشدار داد که با رسول خدا به آواز بلند سخن نگویند و او را به نام صدا نزنید. حضرت فاطمه علیها السلام پس از شنیدن آیه شریفه، با آن که به پدر مهر می‌ورزید، اما به دلیل ادب، آن حضرت صلی الله علیه و آله را رسول خدا صدا می‌زد که پیامبر صلی الله علیه و آله او را استثناء کرد (همان). این فراز سرشار از ادب حضرت فاطمه علیها السلام در برابر همسر گرانقدرش است که فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إلهِي أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تُقْدِرُ عَلَيْهِ»؛ (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۴۳، ص ۵۱-۵۹)؛ ای ابوالحسن! همانا من از خدای خویش شرمسار خواهم گشت که از شما چیزی بخواهم که امکان فراهم آوردنش را نداشته باشی.

هنگامی که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مبارزه خود با سردمداران فتنه شوم سقیفه را پی گرفت و نارضایتی خود را اعلام کرد، جو جامعه بر ضد آنان شد؛ چراکه مردم این حدیث رسول‌گرامی صلی الله علیه و آله را در خاطر داشتند که خدا از غضب فاطمه علیها السلام خشمگین خواهد شد. از این رو سران سقیفه به خدعه دست زده و تقاضای ملاقات کردند، اما آن آزاد زن، با درایتی وصف ناپذیر آنان را نپذیرفت تا این که دست به دامان امیرالمؤمنین علی علیه السلام شدند. حضرت فاطمه علیها السلام با دنیایی

از ادب فرمود: «الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْحُرَّةُ زَوْجُكَ إِفْعَلْ مَا تَشَاءُ» (ر.ک. حسینی، ۱۳۶۷، ص ۲۱۲)؛ «(یا علی!) خانه، خانه تو و من همسر تو هستم، هر آنچه صلاح می‌دانی انجام بده».

۸-۴. ولایت مداری و بصیرت

ولایت تجلی توحید ربوبی، حاکمیت مطلق و تحقق اراده تکوینی و تشریحی خداوند بر انسان است و ولایت مداری به این معناست که کلیه برنامه‌ها و مجریان و مسلمین تحت دستورات یا سیره معصومین علیهم‌السلام باشند. جلوه ولایتمداری در محبت نسبت به ولی خدا و نشان محبت و رزق، اطاعت است که باید نثار مقدم انوار آسمان ولایت یعنی ائمه هدی علیهم‌السلام کرد. با این اعتقاد که «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۲۷، ص ۸۸). معیار شناخت آدمی درجه محبت و اخلاص خویش نسبت به خدا، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه هدی علیهم‌السلام است که انسان‌های کامل هستند و انسان کامل مظهر و آئینه تمام‌نمای صفات کمال و جمال الهی است. ولایت مداری در ارتباط با بصیرت تفسیر می‌شود و تحقق می‌یابد. «بصیرت» در لغت، اعتقاد قلبی به دین و حقیقت است و می‌توان گفت بصیرت دانایی همراه با باور قلبی است. انسان بصیر به دلیل برخورداری از نگاه ژرف به مسائل، از حوادث گذشته برای آینده عبرت می‌گیرد؛ از این رو برخی اهل لغت «بصیرت» را به معنای عبرت هم آورده‌اند. بصیرت مانند سپری است که در هنگامه فتنه‌ها و مواقف خطرناک، شخص را مصون نگه می‌دارد؛ از این روست که زره و لباس محافظ جنگی را نیز «بصیرت» گویند. در میان اهل بصیرت، کسانی حضور دارند که در روایات از آن‌ها تعبیر به «نُومَه» شده است؛ این‌ها که در امر دین و شناخت خداوند و صفات و اسماء الهی و آگاهی نسبت به احوال دنیا و آخرت به آگاهی و بصیرت کامل رسیده‌اند و چراغ‌های هدایت و سرچشمه‌های دانش هستند که تیرگی فتنه‌ها توسط ایشان برطرف می‌شود. متوسمین، نومه و اهل اعراف، اهل بصیرت ناب و اولیاء الهی هستند (همان).

حضرت فاطمه علیها‌السلام با بصیرت ناب به دفاع از ولایت پرداخت و مبارزه شجاعانه، حق طلبانه و الهام بخش ایشان، نشانگر بصیرت او برای مقاومت و بیدارگری در مقابل ظلم، جهل و عوام فریبی و در حقیقت تجلی ولایتمداری ایشان بود. دفاع آن حضرت از فدک نیز جلوه‌ای از دفاع برای ولایت بود؛ چراکه غصب فدک، آن روی سکه غصب خلافت بود. ایشان می‌دانست

که غضب فدک، انحراف از اصل اسلام و مدار حق است و فدک، بُعد اقتصادی خلافت؛ از این رو پرچم حق طلبی را برافراشت. سخنرانی، گریه های جان سوز در بیت الاحزان، اعتصاب سخن با سردمداران ظلم، دعوت به حق خواهی و سرانجام وصیت به تدفین مخفیانه از جمله شیوه های این بانوی بزرگوار در دفاع از ولایت بوده است. شهیده ی راه ولایت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در فرآزی از خطبه فدکیه چنین فرمود:

پس زمانی که خداوند خانه پیامبران و جایگاه برگزیدگان را برای پیامبرش ترجیح داد، علائم خفته نفاق از اعماق وجودتان سر برآورد و لباس دین برایتان کهنه شد و سردسته منافقان زبان درآورد و ناچیزان هیچگاه به حساب نیامده، سر برآوردند و اظهار وجود کردند و عریده های سراب پرستان و باطل جویان در عرصه دل های شما پیچید و شیطان از مخفی گاه خود سر برآورد و شما را به نام خواند؛ پس شما را آشنای کلامش و پاسخگوی دعوتش و آماده برای پذیرش خدعه و فریب و نیرنگش یافت. سپس شما را از جا بلند کرد و دید که چه راحت برمی خیزید و شما را گرم کرد و دید که چه آسان گرم می شوید و آتش (در خرمن کینه هایتان) انداخت و دید که چه زود شعله می گیرید. پس (به اغوای شیطان) بر شتری نشان زدید که از آن شما نبود و بر آبشخوری وارد شدید که غضب (محض) بود. این درحالی بود که هنوز از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله، چیزی نگذشته بود و زخم مصیبت هنوز تازه بود و دهان جراحت هنوز به هم نیامده بود و (بدن) پیامبر هنوز بیرون قبر بود. بهانه آوردید که از فتنه می ترسیدیم (پس خلیفه برگزیدیم)؛ **أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ** (ولی باید) بدانید که (هم اکنون) در (قعر) فتنه هستید و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد (ر.ک. یوسفیان، ۱۳۸۵، ص ۵۰-۲۸).

۴-۹. دختر، مادر، همسر نمونه

حضرت فاطمه علیها السلام در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله دارای جایگاه خاصی بودند و نزد ایشان بسیار عزیز که در اثبات این مدعا همین بس که پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را «ام ابیها» می خواندند و در مواردی نیز

از عبارت «فداها ابوها» استفاده می‌کردند. پیامبر ﷺ ایشان را بسیار می‌بوسیدند و می‌فرمودند که از ایشان بوی بهشت استشمام می‌شود و نیز به احترام ایشان از جای برمی‌خاستند. از معروف‌ترین احادیث پیامبر ﷺ نسبت به حضرت فاطمه ﷺ جمله «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد، مرا آزار داده و هر که مرا آزار دهد خدا را آزار داده است و هر کس او را خوشحال کند، مرا خشنود ساخته و هر کس مرا خشنود سازد، خدا را خشنود ساخته است»، می‌باشد. گرامی داشتن حضرت فاطمه ﷺ توسط پیامبر ﷺ نقش مهمی در زدودن فرهنگ جاهلی آن زمان که داشتن دختر را مایه ننگ می‌دانستند، داشت. در جامعه‌ای که چون یکی از آن‌ها را به فرزند دختری مژده داده می‌شد، از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده و سخت دل‌تنگ می‌شد و از این عار به فکر می‌افتاد که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگه دارد یا زنده به خاک گور کند.

فرزندان حضرت فاطمه ﷺ هر چند مادر خویش را در کودکی از دست دادند، اما در همین زمان اندک نیز ایشان اهتمام ویژه‌ای به تربیت فرزندان خویش داشتند. در تاریخ آمده است زمانی که حسنین ﷺ به بازی با یکدیگر مشغول بودند، ایشان و پیامبر ﷺ آنان را در هرچه بهتر انجام دادن بازی که نقش عمده‌ای در تربیت دارد، تشویق می‌کردند. شیوه همسررداری ایشان نیز الگوی منحصر بفرید برای تمامی پیروانشان است. حضرت علی ﷺ همواره رضایت خویش از ایشان را بیان می‌کرد و این‌که هیچ‌گاه در زندگی رفتاری از ایشان ندیده‌اند که خاطرشان را به عنوان همسر را آزرده باشد. در حدیثی از امیرالمومنین علی ﷺ آمده است: «بهترین شما کسانی هستند که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌ترند و با همسران‌شان مهربان و بخشنده‌اند» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱).

نتیجه‌گیری

رابطه اهل بیت ﷺ با مردم، رابطه عاشق و معشوق است. دوست باید تمام کمالات را در محبوب خود بیابد و از دریای فیض و معرفت او سیراب شود و محبوب نیز باید آن‌چه در توان دارد، برای هدایت و سعادت رهروان خود بکار بندد. حضرت فاطمه ﷺ بانویی است که گرچه برای بروز و تجلی، فرصت چندانی نیافت، اما در همان ۱۸ سالی که از این زندگی دنیایی

بهره گرفت، لقب «سیده نساء اهل الجنه» را یافت و این نشان از عمق معنوی است که در وجود این برترین بانوی تاریخ نهفته است. حضرت فاطمه علیها السلام دخت گرامی بزرگ زنی چون خدیجه کبری است که از نیکوترین و عقیف ترین زنان جهان و نخستین زنی است که به پیامبر ایمان آورد و هر آن چه از مال دنیا در اختیار داشت، در راه پیشرفت اسلام بذل کرد. حضرت فاطمه علیها السلام فرزند نیکو مردی چون محمد صلی الله علیه و آله فرستاده رحمت و مغفرت و همسر شیر خدا و مولود کعبه حضرت علی علیه السلام است. از نقش آفرینی های درخشان فاطمه علیها السلام، بالا بردن فرهنگ جامعه، رشد فکر و اندیشه مردم و دفع مشکلات و شبهات آنان است. آن حضرت از مسایل ساده گرفته تا پیچیده ترین مشکلات را پاسخگو بود و این امر میسر نبود، مگر با احاطه علمی، قوت فکری و همت بلند ایشان. این بانوی بزرگ اسلام، زجر تبلیغ و رنج تعلیم و تربیت را تحمل کرد و چون مشعلی فروزان در راه هدایت جامعه، نورافشانی کرد و با سوختن خود به دل و جان مردم گرمی بخشید و پاسداری از ارزش ها و مفاخر اصیل، مبارزه پیگیر با بدعت ها، جهل، کجروی ها و رکورد جامعه را خط مشی خود قرار داد. از این رو، امت نیز باید هر چه بیشتر به مقام و حقوق رهبر خود آگاه شود و خود را چون شاگردی فروتن در برابر او احساس کند و به دامن او چنگ زند تا از نقص به کمال و از ضعف به قدرت و از ظلمت به نور برسد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۹).

با توجه به نتایج و یافته های بدست آمده در این پژوهش، پیشنهادهای زیر جهت لزوم انجام تحقیق و افزایش کیفیت تحقیق در زمینه موضوع پژوهش حاضر برای کارگزاران تربیتی ارائه می گردد.

۱. از آنجا که پژوهش حاضر درباره یکی از مهم ترین مسایل زندگی بشر، یعنی سیره و سبک زندگی انسان است و جامعه اسلامی به خصوص ایران اسلامی که شیعه و پیرو راه ایشان است، لازم است که با گفتار و کردار آن حضرت آشنا باشند؛ از این رو برای به سعادت رسیدن جامعه اسلامی راهی جز تربیت نسل حاضر و آینده مطابق با دستورات ائمه علیهم السلام و به خصوص حضرت فاطمه علیها السلام وجود ندارد.

۲. مسئولین و برنامه ریزان تربیتی با عنایت به نتایج پژوهش حاضر و کنکاش در سایر موارد تربیتی نسبت به تهیه دستورالعمل ها، کتاب ها، روش های آموزش و پرورش دانش آموزان و

استفاده از هر وسیله کمکی که بتوان از آموزه‌های تربیتی آن بزرگواران بهره گرفت، کوتاهی نکنند.

۳. معطوف کردن توجه نظام آموزشی کشور به تعلیم، تربیت و اهمیت سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام و کاربردی کردن شیوه‌ی آنان در تعلیم و تربیت.

۴. به دلیل اهمیت سبک زندگی دانش‌آموزان و دانشجویان و خلأهایی که در برنامه زندگی مبتنی بر کتب درسی در مقطع تحصیلی راهنمایی، متوسطه و دانشگاه احساس می‌شود، درس «سبک زندگی و تربیت اسلامی» در برنامه هفتگی فراگیران بایسته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: موسسه انتشارات علامه.
۲. ارونسون، البوت. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
۳. امینی، ابراهیم. (۱۳۷۲). اسلام و تعلیم و تربیت (۲). تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۴. انصاری، محمد باقر و رجایی، سید حسین. (۱۳۸۹). صدای فاطمی فدک. چاپ یازدهم، قم: دلیل ما.
۵. بابا زاده، علی اکبر. (۱۳۷۴). تحلیل سیره فاطمه الزهرا، قم: نبوغ.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷. پیروزمند، علیرضا. (۱۳۷۹). بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر. قم: موسسه فرهنگی فجر ولایت.
۸. پیشوائی، مهدی. (۱۳۸۹). سیره ی پیشوایان. قم: انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: مرکز فرهنگی رجاء.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۴ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه. قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۱. حسینی زاده، سید علی. (۱۳۶۸). سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حسینی شاهرودی، سید محمد. (۱۳۷۷). فاطمه علیها السلام حامی ولایت. تهران: شجره طوبی.
۱۳. دیس، موریس. (۱۳۸۲). مراحل تربیت. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. دشتی، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۲). سیری در تربیت اسلامی. تهران: انتشارات دریا.
۱۵. رحمانی همدانی، احمد. (۱۳۷۸). فاطمه الزهرا علیها السلام بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله. تهران: منیر.
۱۶. صانعی، مهدی. (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: سناباد.
۱۷. طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. جلد ۱، مشهد: نشر مرتضی.
۱۸. طبری، احمد. (۱۳۵۶ق). ذخائر العقبی. قاهره: مکتبه القدسی.
۱۹. قزوینی، محمدکاظم. (۱۴۰۴ق). فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد الی اللحد. ترجمه حسن فریدونی، تهران: آفاق.
۲۰. کفاش، حمید رضا. (۱۳۸۱). هفتاد و پنج درس زندگی از سیره عملی حضرت فاطمه علیها السلام. تهران: عابد.
۲۱. کمونه حسینی، سید عبدالرزاق. (۱۳۶۷). مجموعه مقالات الزهرا علیها السلام. تهران: انتشارات میقات.
۲۲. کوفی، فرات. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۶). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام. تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
۲۵. محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۲۳). نگاه ی بر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام. قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام.
۲۶. مرتضی عاملی، سیدجعفر. (۱۳۷۸). رنج های حضرت زهرا علیها السلام. ترجمه محمد سپهری، قم: نشر ایام.
۲۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایره المعارف قرآن کریم. جلد ۱، قم: بوستان کتاب.

۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
۲۹. مظاهری، حسین. (بی تا). *زندگانی چهارده معصوم* علیهم السلام. قم: اهل بیت علیهم السلام.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). *الاختصاص*. بیروت: دارالمفید.
۳۱. حاکم نیشابوری، محمد. (۱۴۳۵ق). *مستدرک علی الصحیحین*. لبنان: دار التاصیل.

ب. مقالات

۱. جلالی، حسین. (۱۳۸۰). «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها». *نشریه معرفت*. شماره ۵۰، صص ۴۰-۵۲.
۲. سلمانی‌گواری، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «بررسی سیره خانوادگی ائمه طاهرین علیهم السلام». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش شیعه شناسی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳. فیاض، حمیده. (۱۳۹۲). «نقش حضرت زهرا علیها السلام در تعالی مؤلفه های فرهنگ اسلامی»، *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال چهارم. شماره ۹، صص ۱۳-۳۹.
۴. وطنی، منصوره. (۱۳۹۲). «آسیب شناسی مدیریت اجرایی کلان و مهندسی فرهنگی کشور با ارائه راهبردهای اصلاحی»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
۵. یوسفیان، نعمت الله. (۱۳۸۵). «ابعاد شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، *فصلنامه پیام*. شماره ۷۷، صص ۲۸-۵۰.